

۱ در سده‌های پیشین، نظریه استعمار برای جوامع به چه معنایی بود؟

۲ جهان اجتماعی زنده و سالم چگونه با جهان اطراف خود ارتباط قرار می‌کند؟

۳ از نظر جامعه‌شناسانی که جهان‌های اجتماعی را متفاوت می‌انگارند، این جهان‌ها چه روابطی دارند؟

۴ مردم‌شناسان از کدام جهان‌های اجتماعی متفاوت یاد می‌کنند؟

۵ نمودار «جهان‌های اجتماعی در طول هم» را رسم کنید.

۶ نمودار «جهان‌های اجتماعی در عرض هم» را رسم کنید.

۷ جامعه‌شناسانی که نگاه تک خطی به تاریخ بشر دارند، چه دیدگاهی دارند؟

۸ «دورکیم» جامعه‌شناس فرانسوی، حرکت جوامع بشری را به چند مقطع تقسیم می‌کند؟ توضیح دهید.

۹ کدام جامعه‌شناسان نگاه تک خطی به تاریخ بشر دارند؟

۱۰ جامعه‌شناسان در مورد شباهت جهان‌های اجتماعی چه اعتقادی دارند؟

۱۱ جهان‌های اجتماعی براساس و خود، متنوع‌اند.

۱۲ نمودار تغییرات جهان اجتماعی در دو لایه سطحی و عمیق را رسم کنید.

۱۳ لایه‌های سطحی مربوط به کدام کنش‌های جهان اجتماعی و لایه‌های عمیق مربوط به کدام حوزه در جهان اجتماعی است و تفاوت‌ها در این دو لایه چگونه است؟

۱۴ کدام تفاوت‌های جهان اجتماعی، در درون آن رخ می‌دهد؟ و کدام تفاوت‌ها، جهان اجتماعی را به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌کند؟

۱۵ هر جهان اجتماعی چه تغییرات و تفاوت‌هایی را درون خود می‌پذیرد؟

۱۶ یک جهان اجتماعی مبتنی بر تبعیض نژادی و یک جامعه که نژادها، زبان‌ها و اموری از این دست را عناصر اصلی به شمار نمی‌آورد، نمونه مثال بزنید.

۱۷ چه عاملی سبب پیدایش جهان‌های اجتماعی مختلف می‌شود؟

۱۸ در مقایسه رفتار موجودات زنده با جهان اجتماعی، چه کسی و از چه طریقی جهان اجتماعی را پدید می‌آورد؟

۱۹ در تقسیم کار میان جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان، هر کدام، کدام جوامع را مطالعه می‌کردند؟

۲۰ چگونه به تنوع جهان‌های اجتماعی پی ببریم؟

خلاصه کنید	مفاهیم اساسی
- انسان‌ها در جهان‌های اجتماعی مختلفی زندگی می‌کنند.	تنوع جهان‌های اجتماعی،

۲۲ اگر چه انسان امروزی براساس تجربیات واقعی، استعمار را به معنی استثمار (بهره‌کشی به ناحق از دیگران و دسترنج آن‌ها) درمی‌یابد؛ ولی در سده‌های پیشین، نظریه‌ی استعمار به معنای طلب آبادانی برای جوامع عقب‌مانده بود. درباره‌ی نظریه‌ی استعمار، تحقیق کنید. این نظریه محصول کدام‌یک از دیدگاه‌های بالا بود؟ نظریه استعمار را براساس آن دیدگاه، تفسیر کنید.

۲۳

- شرک و بت‌پرستی و نگاه نژادی و قبیله‌ای، از اعتقادات و ارزش‌های بنیادی جهان اجتماعی شبه‌جزیره‌ی عربستان بود.
- توحید و یکتاپرستی و خلافت و کرامت انسان، از اعتقادات و ارزش‌های جهان اجتماعی اسلام است.

با ظهور اسلام عقاید و ارزش‌های بنیادی جامعه‌ی جاهلی نابود شد و لایه‌های سطحی آن در خدمت اسلام قرار گرفت. بدین ترتیب زبان عربی حامل کلام و بیان الهی شد.

تفاوت‌های جهان اجتماعی اسلام و جهان اجتماعی شبه‌جزیره عربستان جزو کدام دسته از تفاوت‌ها است؟

متن زیر را به دقت مطالعه کنید و لایه‌های مختلف جهان اجتماعی اسلام و جهان اجتماعی عرب پیش از اسلام را استخراج کنید.

با ظهور اسلام، ارکان جهان اجتماعی جاهلی، درهم ریخته شد و جهان اجتماعی جدیدی پدید آمد. اسلام زبان مردم را تغییر نداد و بسیاری از مناسبات و روابط اجتماعی را حفظ کرد ولی اموری را تغییر داد که به مرگ جامعه‌ی پیشین و تولد جهانی جدید منجر شد. شرک، بت، قبیله، خون، شمشیر، شهوت و پول از معانی و مفاهیم جامعه پیشین بودند. این مفاهیم هم سامان اجتماعی شبه‌جزیره‌ی عربستان را شکل می‌دادند و هم جهان‌بینی اعراب قبل از اسلام را تعیین و مسیر شناخت آن‌ها را مشخص می‌کردند. بت‌ها که در کانون نگاه مشرکانه جهان اجتماعی جاهلی بودند، هویتی قومی و قبیله‌ای داشتند و هر فرد هویت خود را در ارتباط با قبیله خود می‌شناخت و شأن و جایگاه اجتماعی او به شأن و قدرت قبیله او وابسته بود؛ خدایان متنوع، نمادها و صورت‌های مربوط به قبایل بودند که در خانه‌ی خدای گذارده شده بودند. جامعه عرب، جهان را از افق قدرت قبایل مختلف می‌دید و مناسبات و روابط را در حاشیه این قدرت سازمان می‌داد. قانون و مقرراتی فراسوی پیمان‌های قبایل مختلف وجود نداشت و شأن و مرتبه هر فرد و حقوق او به منزلت قبیله‌ی او و موقعیت او در قبیله بازمی‌گشت.

در این جهان، علم از برخورد چهره به چهره و زندگی مشترک درون این جهان پدید می‌آمد و در حفظ و استمرار آن دخیل بود و بر این اساس علم انساب برترین علوم بود زیرا هویت نظام قبیله‌ای را حفظ می‌کرد. جهان اسلام با مجموعه معنایی شکل می‌گیرد که از وحی الهی بر سینه‌ی سترگ رسول خاتم، نازل شد و از آن‌جا در بستر تاریخ جریان یافت. الله، توحید، تقوی، وحی، عقل، علم، حقیقت، فضیلت، عدالت، قسط، ایمان، کفر و نفاق از مفاهیم محوری این نظام معنایی هستند. این معانی با برخی از مفاهیم جاهلی در ستیز آشکار قرار می‌گیرند و جز به حذف و نابودی آن‌ها راضی نمی‌شوند و به بازخوانی و بازسازی برخی دیگر از مفاهیم جامعه‌ی جاهلی می‌پردازند. از دسته اول شرک، بت، ظلم و ربا و از دسته دوم قبیله، عشیره، عهد، پیمان، غضب و شهوت، معانی و مفاهیمی هستند که ابتدا ارتباط آن‌ها با دیگر مفاهیم مرکزی جهان شرک قطع می‌گردد و سپس در حاشیه مفاهیم محوری جهان اسلام به صورت صله‌ی رحم، عفت و شجاعت، جهاد و شهادت بازخوانی می‌شوند. قرآن کریم روابط و مناسباتی که بر محور عصبیت قبیله‌ای شکل می‌گرفت به روابطی بر محور اعتقاد به خدای یکتا تبدیل می‌کند و روابط دنیوی را در حاشیه معانی الهی و قدسی به خدمت می‌گیرد و کسانی را که مناسبات قومی و قبیله‌ای را مقدم می‌دارند و باورها و اعتقادات دینی را در خدمت این مناسبات قرار می‌دهند، توبیخ کرده و ظالم و فاسق می‌نامد.

۲۵ جهان‌های اجتماعی متفاوت را از نظر روابط فرهنگی بررسی کنید.

۲۶ منظور از جهان‌های اجتماعی «هم‌عرض» چیست؟

۲۷ منظور از نگاه «تک خطی» به تاریخ بشر چیست؟

۲۸ یکی از مهم‌ترین انتقادات به خودمداری فرهنگ غرب که توسط مردم‌شناسان مطرح شده را بیان کنید.

۲۹ چرا جهان اجتماعی سایر موجودات (غیر از انسان) شکل واحد دارد؟

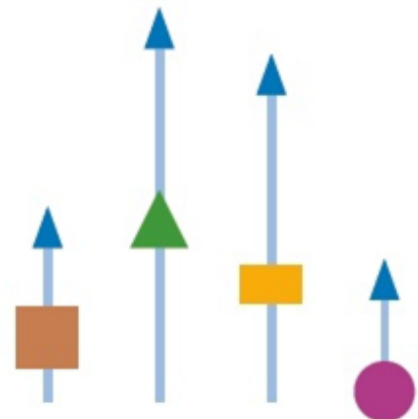
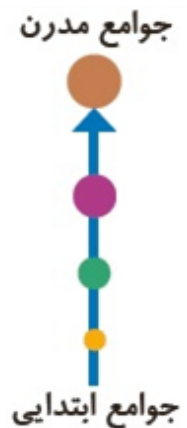
۳۰ آیا جهان اجتماعی همه انسان‌ها یک شکل واحد دارد؟ شرح دهید.

۱ اگرچه انسان امروزی براساس تجربیات واقعی، استعمار را به معنی استثمار (بهره‌کشی به ناحق از دیگران و دسترنج آن‌ها) درمی‌یابد؛ ولی در سده‌های پیشین، نظریهٔ استعمار به معنای طلب آبادانی برای جوامع عقب‌مانده بود.

۲ جهان اجتماعی زنده و سالم، فعالانه با جهان اطراف خود ارتباط برقرار می‌کند. مطابق با نیاز خود، از دستاوردهای جهان اجتماعی دیگر بهره می‌برد. در صورتی که لازم باشد، تغییراتی در آن‌ها به وجود می‌آورد و سپس از آن‌ها استفاده می‌کند.

۳ در این دیدگاه، جهان‌های اجتماعی مختلف با روابط متقابلی که دارند می‌توانند از تجربیات یکدیگر استفاده کنند، اما هیچیک از آن‌ها با حفظ هویت خود نمی‌تواند مسیر دیگری را ادامه دهد.

۴ غرب، اسلام، چین، هند



۷ در این دیدگاه، همه جوامع در یک خط قرار می‌گیرند، بعضی از آن‌ها در این مسیر واحد، پیشرفته‌ترند و بعضی در مقایسه با جوامع پیشرفته عقب مانده‌اند و جوامعی که به لحاظ تاریخی عقب مانده‌اند، باید جوامع پیشرفته را الگوی حرکت خود قرار دهند.

۸ به دو مقطع تقسیم می‌کند. جوامع مقطع نخست را جوامع مکانیکی و جوامع مقطع دوم را جوامع ارگانیکی می‌نامد. در جوامع مکانیکی تقسیم کار شکل نگرفته است یا در حد ساده و ابتدایی است. مانند تقسیم کار سنی و جنسی، در جوامع ارگانیکی تقسیم کار گسترده وجود دارد.

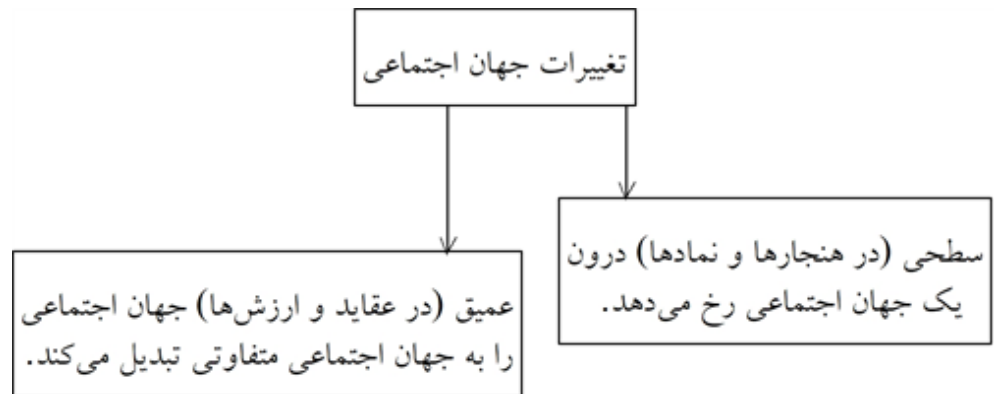
۹ آگوست کنت، اسپنسر، دورکیم، مارکس

۱۰

عده‌ای از جامعه‌شناسان معتقدند همه جهان‌های اجتماعی شبیه یک‌دیگر و بر همین اساس مسیر یکسانی را نیز طی می‌کنند؛ یعنی همه آن‌ها شبیه یک نوع موجود زنده‌اند و تفاوتشان همانند تفاوتی است که آن موجود زنده در مراحل مختلف رشد خود از دوران کودکی تا مراحل بزرگسالی پیدا می‌کند.

۱۱

عقاید - ارزش‌های کلان



۱۲

تفاوت‌هایی که به ارزش‌های کلان، آرمان‌ها و اعتقادات اصلی بازگردد، از نوع تفاوت‌های میان جهان‌های اجتماعی مختلف است و تفاوت‌هایی که به حوزه نهادها و هنجارها باز می‌گردد، از نوع تفاوت میان جهان‌های اجتماعی مختلف نیست، بلکه از نوع تفاوت‌هایی است که درون یک جهان اجتماعی پذیرفته می‌شود.

۱۳

۱۴

تفاوت‌هایی که مربوط به لایه‌های سطحی جهان اجتماعی باشد، از نوع تفاوت‌هایی است که درون یک جهان اجتماعی واحد رخ می‌دهد، اما تفاوت‌هایی که مربوط به لایه‌های عمیق جهان اجتماعی و عناصر محوری باشد، آن را به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌کند.

۱۵

جمعیت یک جامعه کم یا زیاد می‌شود، اقتصاد آن رشد یا افول می‌کند و زبان و لهجه مردم دگرگون می‌شود؛ اما جهان اجتماعی هویت خود را حفظ می‌کند.

۱۶

۱- آفریقای جنوبی - آمریکا در قرن نوزدهم.
۲- سوئیس - جامعه اسلامی.

۱۷

تنوع آگاهی و معرفت انسان‌ها و همچنین تنوع اراده و اختیار آن‌ها سبب پیدایش جهان‌های اجتماعی مختلف می‌شود.

۱۸

رفتار سایر موجودات زنده، ناآگاهانه یا غریزی است؛ ولی جهان اجتماعی را انسان آگاه و خلاق پدید می‌آورد. انسان در قبال فرهنگی که از طریق تربیت به او منتقل می‌شود، صرفاً موجودی منفعل و پذیرنده نیست، بلکه کنشگری فعال و تأثیرگذار است.

۱۹

وظیفه جامعه‌شناسی، مطالعه جوامع صنعتی و شهری پیشرفته (جوامع غربی) بود و مردم‌شناسی به مطالعه جوامع ساده و ابتدایی می‌پرداخت. جامعه‌شناسان غربی، جوامع ابتدایی را متعلق به گذشته بشر می‌پنداشتند که در دوران کودکی یعنی مراحل اولیه رشد خود باقی مانده‌اند (جوامع غیرغربی) وقتی مردم‌شناسان، با فرهنگ‌های غیرغربی مواجه شدند، به پیچیدگی و عمق آن‌ها و اشتباه جامعه‌شناسان غربی پی بردند.

همه ما در جهان اجتماعی متولد می‌شویم و پس از ما نیز جهان اجتماعی همچنان وجود دارد. اگر ما فقط جهان خود را ببینیم شاید گمان کنیم جهان اجتماعی تنها یک شکل دارد. ولی هنگامی که چشم خود را بر جوامع دیگر دنیا می‌گشاییم، یا وقتی به تاریخ گذشته خود رجوع می‌کنیم و جهان خود را با آنان مقایسه می‌کنیم، به تنوع جهان اجتماعی پی می‌بریم.

خلاصه کنید	مفاهیم اساسی
<p>- انسان‌ها در جهان‌های اجتماعی مختلفی زندگی می‌کنند.</p> <p>- تفاوت جهان‌های اجتماعی در طول زمان برای یک جهان اجتماعی مشاهده می‌شود.</p> <p>- تنوع آگاهی و معرف انسان‌ها سبب پیدایش جهان‌های اجتماعی متنوع می‌شود.</p> <p>- تفاوت‌های مربوط به لایه‌های عمیق جهان اجتماعی موجب تغییر جهان اجتماعی می‌شود.</p> <p>- «همه‌ی راه‌ها به رُم ختم می‌شود» نشانگر نگاه تک‌خطی به تاریخ است.</p> <p>- در نگاه تک‌خطی همه جوامع در یک خط قرار دارند و برای پیشرفت از یک الگو پیروی می‌کنند.</p> <p>- در نگاه عرضی، تمدن‌ها و جهان‌های اجتماعی برای پیشرفت مسیرهای مختلفی را طی می‌کنند.</p>	<p>تنوع جهان‌های اجتماعی، ویژگی‌های ذاتی، ویژگی‌های عرضی، خودمداری</p> <p>فرهنگ غرب، هویت جهان اجتماعی، نگاه تک‌خطی به تاریخ، نگاه عرضی به تاریخ</p>

۲۲ پاسخ به عهده‌ی دانش‌آموز

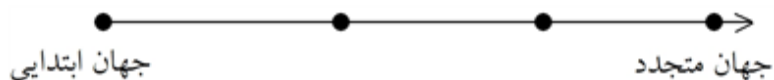
۲۳ تفاوت این دو جهان اجتماعی در عقاید کلانی و ارزش‌های اجتماعی آن‌هاست. توحید و یکتاپرستی و کرامت انسانی به قدری با فطرت انسانی مردم عربستان نزدیک و هم‌سو بود که نیازهای اجتماعی و فرهنگی آن‌ها را ارضا می‌کرد که نتیجه‌ی آن مقبولیت عام شعائر و قوانین اسلام بود. لذا برای پذیرش اعتقادات اسلامی بر زبان عربی جاری ثبت گردیده است.

۲۴ تفاوت این دو جهان اجتماعی در عقاید کلانی و ارزش‌های اجتماعی آن‌هاست. توحید و یکتاپرستی و کرامت انسانی به قدری با فطرت انسانی مردم عربستان نزدیک و هم‌سو بود که نیازهای اجتماعی و فرهنگی آن‌ها را ارضا می‌کرد که نتیجه‌ی آن مقبولیت عام شعائر و قوانین اسلام بود. لذا برای پذیرش اعتقادات اسلامی بر زبان عربی جاری ثبت گردیده است.

۲۵ جهان‌های اجتماعی مختلف با روابط متقابلی که دارند می‌توانند از تجربیات یک‌دیگر استفاده کنند اما هیچ‌یک از آن‌ها با حفظ هویت خود نمی‌تواند مسیر دیگری را ادامه دهد. جهان اجتماعی زنده و سالم، فعالانه با جهان اطراف خود ارتباط برقرار کرده، در صورتی‌که لازم باشد تغییراتی را در خود به وجود می‌آورد.

برخی از اندیشمندان معتقدند جهان‌های اجتماعی متنوعند، هر جهان اجتماعی، فرهنگ و تمدن مناسب خود را به وجود می‌آورد، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نیز براساس آرمان‌ها و ارزش‌های خود، تحولاتی را دنبال می‌کنند و مسیرهای مختلفی را می‌پیمایند. برخی از آن‌ها زمان طولانی دوام می‌آورند و بعضی دیگر پس از مدتی از بین می‌روند. یعنی در عرض یک‌دیگر رشد می‌کنند.

این نگاه معتقد است همه جهان‌های اجتماعی شبیه به یک‌دیگرند و بر همین اساس مسیر یکسانی را طی می‌کنند همه جوامع در یک خط قرار می‌گیرند، بعضی از آن‌ها در این مسیر واحد، پیشرفته‌ترند و بعضی در مقایسه با جوامع پیشرفته، عقب‌مانده‌اند و جوامعی که به لحاظ تاریخی عقب مانده‌اند باید جوامع پیشرفته را الگوی حرکت خود قرار دهند.



در جهان غرب، نوعی تقسیم کار میان جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان شکل گرفته بود وظیفه‌ی جامعه‌شناسی، مطالعه جوامع صنعتی و شهری پیشرفته (غربی) بود و مردم‌شناسی به مطالعه جوامع ساده و ابتدایی می‌پرداخت. جامعه‌شناسان غربی، این جوامع ابتدایی را متعلق به گذشته‌ی بشر می‌پنداشتند که در دوران کودکی یعنی مراحل اولیه رشد خود باقی می‌مانده‌اند (جوامع غیرغربی) وقتی مردم‌شناسان بنا به وظیفه‌ی حرفه‌ای خود، با فرهنگ‌های غیرغربی مواجه شدند، به پیچیدگی و عمق آن‌ها و اشتباه جامعه‌شناسان غربی پی بردند.

زیرا رفتار موجودات به غیر انسان، غیرآگاهانه و غریزی است. به طور مثال: زنبور عسل از هزاران سال قبل تا کنون با نظامی واحد زندگی می‌کنند.

خیر، با نگاه به جوامع دیگر و نگاه به تاریخ گذشته‌ی خود درمی‌یابیم که جهان اجتماعی یکی شکل واحد ندارد و دارای تنوع است. (تغییرات در طول زمان و تنوع در زمان حاضر)